نام کارگروه: دین و ساختارهای مدرن

رئیس کارگروه: عبدالرحيم کرکه آبادی

تاریخ: 18/4/1388

تهیه کننده: محمد خیابانی

همکاران (اعضای کارگروه): آقایان كركه آبادي، کاووسی، ترکمان، کامرانی، خانم شفیعی فر

* عنوان مقاله : مدلی برای سنجش رابطه ی دین و تکنولوژی
* چكيده

در این مقاله سعی داریم رابطه ی دین و تکنولوژی را در سطح جوامع و در سطح پدیده های مختلف یررسی کرده، و مدلی برای تعیین نقش هریک و فهم نحوه ی تأثیرگذاری آنها در امر پیشرفت و توسعه ی جوامع ارائه نماییم.

* كليد واژه ها: دین، تکنولوژی، توسعه، مدل سازی
* مقدمه

پرسش مهمی وجود دارد که می تواند مبنایی مقدماتی برای معرفی و توجیه کوشش هایی باشد که در این مجموعه در جهت فهم نسبت میان دین و تکنولوژی انجام شده و ماحصل آن در قالب مدل معرفی شده در این نوشتار نمود یافته است: چه عواملی سبب شده که بسیاری از حوزه های تکنولوژی در جامعه ی ما رشد شایانی نداشته باشد، و از طرف دیگر، چه عواملی سبب شده که تکنولوژی غربی در کنار پیشرفت های محیرالعقول، خسارات جبران ناپذیری بر جهان طبیعی و بشری وارد کرده و مشکلات بسیاری را در حوزه های زیست محیطی، اخلاقی و ... بر بشریت تحمیل کند؟ مسلماً عوامل بسیاری در هر دو مورد دخیل بوده اند، اما عامل مشخصی وجود دارد که می توان ادعا کرد در هر دو مورد تأثیرگذاری زیادی داشته است، و آن عامل، دین، یا به عبارت صحیح تر، برداشت ها و فهم های مختلف از دین و میزان تأثیرگذاری و اهمیت آن در اذهان افراد این جوامع می باشد. اما چرا دین و تکنولوژی؟ چرا از میان عوامل بی شماری که در جوامع مؤثرند عامل دین و عامل تکنولوژی را برجسته کرده و مورد توجه قرار داده ایم؟ در پاسخ باید اولاً اشاره کنیم که هدف ما در این مطالعه، بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت جوامع است و در این میان و در دسته بندی ای بسیار کلی می توان عوامل مؤثر بر آن را به دو نوع عامل مادی و معنوی تقسیم کرد. آنچه که محرز است، محوریت عامل دین در تمامی جوامع به عنوان تبلور عامل معنویت و شکل تجسم یافته ی آن است. این امر به ویژه درمورد جوامعی همچون ایران که دین همواره در آنها نقش محوری و اساسی داشته از اهمیت بیشتری برخوردار است. از طرف دیگر، تکنولوژی، به ویژه با تعریف امروزی آن، تجسم بخش تلاش های مادی انسان در جهت ساختن جامعه ای بهتر است. بر این مبنا، برای شناخت یک جامعه و ارائه ی راهکارهای مناسب جهت پیشرفت و توسعه ی آن، توجه به هر دو جنبه ی مادی و معنوی که در قالب عوامل دین و تکنولوژی تجسم می یابند، و مهم تر از همه، توجه به رابطه ی متقابل این دو عامل و تأثیرات این دو بر یکدیگر، لازم و ضروری است.

بر این اساس و در یک فرض محتمل می توان گفت برداشت های خاصی که از دین در جامعه ی ما صورت گرفته، چه به طور مستقیم و چه در قالب انگاره ها، عادات و جهان بینی خاصی که در افراد جامعه ایجاد کرده است، می توانسته در موارد زیادی در تضاد با بینش ترقی خواهانه ی مندرج در تکنولوژی مدرن بوده و یا به طور غیر مستقیم لوازم و پایه های شکل گیری و پیشرفت تکنولوژی (از جمله سخت کوشی، طلب رفاه و آسایش و پیشرفت دنیوی و امثالهم) را سست و غیر قابل اتکا ساخته باشد. اگر چنین است، که دیدگاه مندرج در این نوشتار تا حد زیادی بر همین اساس قرار دارد، چه باید کرد تا اولاً همزیستی مسالمت آمیز این دو عنصر اساسی حیات بشری میسر شود، و ثانیاً هرکدام دیگری را از انحراف از مسیر متعادل هستی بشری بازداشته و پیشرفت و تکاملی تمام عیار و در تمامی ابعاد برای بشر به ارمغان آورد؟

هدف این مدل، برقراری رابطه ای میان دین، با ویژگی های خاص آن، از یک طرف، و تکنولوژی، با لوازم و مختصات آن، از طرف دیگر است. در این راستا، به فراخور نیازها و استلزامات برپا ساختن مدل خود، از نظریات و مطالعات مختلف در حوزه های دین و تکنولوژی در جهت شناخت ویژگی ها و ابعاد این دو پدیده بهره جسته ایم، و در مواردی نیز برای معرفی و ساختاربندی اولیه ی مدل، مفاهیم و روش هایی را پیشنهاد داده یا به کار برده ایم که می بایست در گذر زمان و همراه با تکمیل ساختمان مدل بر دقت آنها افزوده شده و یا با موارد مناسب تری جایگزین گردند. آنچه که در این نوشتار، به عنوان معرفی اولیه ی مدل، اهمیت دارد، دستیابی به ساختار کلی رضایت بخش و مورد توافق نسبی اندیشمندان متخصص در این حوزه هاست، چرا که تکمیل و تدقیق عناصر و ابعاد مختلف مدل فرصتی بیش از این می طلبد.

* هدف هاي پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، دستیابی به مدلی است که به طور جامع و همه جانبه، رابطه ی میان بعد دینی و بعد تکنولوژیک پدیده ها و جوامع را نشان داده و ما را قادر سازد که با شناخت بهتر نسبت به وضع موجود، راهکارهای مناسبی جهت حرکت به سمت وضع مطلوب ارائه نماییم.

* سوالات و فرضيه هاي پژوهش
* چه رابطه ای میان دین و تکنولوژی در سطح جوامع و در سطح پدیده های مختلف وجود دارد؟
* میان بعد دینی و تکنولوژیک جوامع از یک طرف، و پیشرفت و توسعه ی آن جوامع از طرف دیگر چه نوع رابطه ای برقرار است؟
* بر فرض شناخت رابطه ی میان دین و تکنولوژی، چطور می توان این رابطه را درمسیر هماهنگی بیشتر این دو عامل و در نتیجه پیشرفت و توسعه ی جامعه یا پدیده ی مورد بررسی قرار داد؟
* تعریف مفاهیم

**دین**  
با توجه به اینکه تعریف مشخصی از دین وجود ندارد که بر روی آن توافق نظر کلی وجود داشته باشد، شاید بتوان رایج ترین و مقبول ترین تعریف دین را با در نظر گرفتن موارد ذیل پیش کشید:   
1- دین، باور به موضوعات ایزدی و [فراطبیعی](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%81%D8%B1%D8%A7%D8%B7%D8%A8%DB%8C%D8%B9%DB%8C) است که به نیایش و [پرستش](http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D9%BE%D8%B1%D8%B3%D8%AA%D8%B4&action=edit&redlink=1) می‌‌انجامد و بر [ایمان](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%DB%8C%D9%85%D8%A7%D9%86) مبتنی است. به خود این پرستش یا نمودهای [نهادینه](http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D9%86%D9%87%D8%A7%D8%AF%DB%8C%D9%86%D9%87&action=edit&redlink=1) یا [فرهنگی](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%81%D8%B1%D9%87%D9%86%DA%AF) آن یا آمیزه‌ای از این دو نیز دین می‌گویند.   
به زبانی دیگر دین آن چیزی است که انسان را به ‌حقیقت پیوند ‌می‌زند. هر دینی در نهایت دارای دو جز‌ء اساسی است که بر آنها بنا شده است: [آموزش](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A2%D9%85%D9%88%D8%B2%D8%B4) و [روش](http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D8%B1%D9%88%D8%B4&action=edit&redlink=1).( دايره المعارف طهور)  
2- دين، روشي است براي زندگي كردن كه تمامي ابعاد روحي، جسمي، فردي و اجتماعي انسان را شامل مي‌شود و براي كمال بخشي به انسان در هريك از اين بستر‌هاي زندگي، او را به هرآنچه كه آفرينش انساني او اقتضاء مي‌كند، رهنمون مي‌شود.( دايره المعارف طهور)

**تکنولوژی** با آنکه تعريف دقيقی از تکنولوژی موجود نیست ولی توافقاتی بر سر تعريف تکنولوژی، به شرح زیر، مطرح است:   
- تکنولوژي را می توان يک شيوه براي توليد کالا و خدمات تعريف کرد که شامل چهار عنصرِ انسان افزار، اطلاعات افزار، سازمان افزار و فن افزار مي شود. (درآمدی بر سرمایه و تکنولوژی)  
- در تعریفی دیگر هر نوع راه حل براي ارتباط پيدا کردن با محيط تکنولوژي نام دارد. (درآمدی بر سرمایه و تکنولوژی)  
- تکنولوژی یا فن­آوری را می توان کلیه ی دانشها، فرایندها، ابزارها، روشها و سیستم های به کار رفته در ساخت محصولات و ارایه ی خدمات تعریف کرد. (توسعه تکنولوژی)

- تکنولوژی به نیازهای انطباق جویانه ی اقتصادی بشر پاسخی اندیشیده و سنجیده می دهد و با تأثر از جهت گیری سیاسی نظام اجتماعی، پایداری فرهنگ جامعه را وجهی تکنوکراتیک می بخشد. در واقع تکنولوژی به مثابه ی دانش سیستماتیک تولید یک محصول، کاربرد یک فرآیند یا ارائه ی خدمات از شناخت علمی چرایی ها به شناخت فنی چگونگی ها میل می کند تا ضمن ایجاد ارزش افزوده ی اقتصادی، جامعه را به لحاظ فرهنگی در دستیابی به اهداف سیاسی مساعدت نماید و نهایتاً با تأثیر بر شناخت بشری، بر غنای پیوسته ی اندیشه و عمل انسانی – اجتماعی بیفزاید.

**رابطه ی دین و تکنولوژی**برمبنای هدف مشترک، هم دین و هم تکنولوژی، دارای هدف خدمت رسانی به انسانند.  
دین، میتواند به بخش تعهد تکنولوژی کمک کند و تکنولوژی، میتواند بعنوان ابزارِ تحققِ اهداف متعالی دین باشد. به عنوان مثال، اعتقادات دینی می تواند بشر را از توسعه ی عنان گسیخته ی تسلیحات گوناگون که پیشرفت تکنولوژی آن را میسر ساخته بازدارد، و در مقابل، پیشرفت های تکنولوژیک می توانند جهان بینی و نوع نگاه انسان نسبت به جامعه و خویشتن را دگرگون کرده و تفاسیر کامل تر و کارآمدتری از دین را موجب شوند. علاوه بر این، هر نوع تکنولوژي براي آفرينش احتياج به بستر و نظام ارزشي دارد تا جهت گيري رشد آن را توجيه کند. وجود اين هماهنگي از مقدمات تکوين تکنولوژي است. لذا براي پيشرفت تکنولوژي و رسیدن به توسعه، بايد دين نيز مطابق با نيازهاي جهان جديد بوده و همگام با تکنولوژي به پيش رود و لازم است علماي دين واقع گرا بوده و آگاه به شرايط زمان و مکان باشند.

* روش تحقيق

برای اندازه گیری ویژگی های پدیده ها و امتیازدهی به آنها، نیازمند روش هایی دقیق و قابل اتکا هستیم تا بر اساس آنها به داده هایی قابل اعتماد دست یافته و از آنها در جهت شناخت و بهبود شرایط بهره بگیریم. تعیین دقیق روش های مناسب، امری است که نیاز به مطالعه و مجال بیشتری دارد، اما به طور کلی می توانیم بگوییم که دو نوع روش در کنار هم می توانند نتایجی قابل اتکا و مورد توافق جمعی به دست دهند. این دو نوع روش، روش های کمی و روش های کیفی می باشند. استفاده از مباحث نظری نیز، چنان که مشخص است، در هر کدام از این موارد حایز اهمیت است. به عنوان مثال، برای تعیین جایگاه یک پدیده به لحاظ پیامدهای فردی، می توان از روش های پیمایشی، مصاحبه ی عمیق با افراد مختلفی که در ارتباط با آن پدیده هستند، مشاهده، مصاحبه با صاحب نظران و غیره استفاده کرد. نتایج حاصل از چنین بررسی هایی، در کنار هم، می توانند تصویر دقیقی از پدیده ی مورد بررسی و جایگاه آن بر روی مدل فراهم نمایند.

روش دیگری که می تواند در تعیین جایگاه جوامع بر روی مدل به کار رود، استفاده از شاخص ها، آمارها و رتبه بندی هایی است که توسط نهادها و سازمان های بین المللی از قبیل سازمان ملل به طور منظم انجام می شوند و داده های حاصل از آنها می تواند بر مبنای اصول و چارچوب های مشخص و بر اساس اهمیت نسبی هریک از آنها، تصویری از جایگاه جوامع نسبت به یکدیگر ارائه نمایند.

* يافته هاي پژوهش

**مدل دین – تکنولوژی**

با توجه به آنچه که گفته شد، روشن است که تلاش های صورت گرفته در این مجموعه هدفی اولیه و بنیادین را دنبال می کنند و آن ارائه ی مدلی است که توانایی ترسیم رابطه ی دین و تکنولوژی، تشریح نحوه ی ارتباط آنها با هم و نشان دادن جایگاه هریک از آنها در جامعه و نقش شان در تحولات و رویدادهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را داشته باشد. چنین مدلی، در صورت طراحی صحیح و کارا بودن، می تواند نسبت میان دین و تکنولوژی را در یک جامعه ی خاص، در یک پدیده ی بخصوص و یا در مقایسه ی چند جامعه نسبت به یکدیگر بازنمایی کرده و چالش ها، آسیب ها و کمبودهای احتمالی، همچنین نقاط قوت و فرصت های موجود را به ما نشان داده، شکل جامعه ی موجود و جامعه ی مطلوب را منعکس ساخته و بر این اساس، امکان برنامه ریزی اصولی و ارائه ی راهکارهای مختلف در سطوح خرد و کلان را برای بهبود شرایط موجود و حرکت به سمت وضعیت مطلوب فراهم نماید.

مثال های متعددی می توان مطرح کرد که بیانگر رابطه ی موجود میان جنبه های دینی و تکنولوژیک پدیده ها بوده و نشان دهنده ی این امر باشند که هرکدام از این دو عامل چگونه می توانند عامل دیگر را تقویت کرده و پیشرفت صحیح و اصولی و متناسب آن پدیده را سبب شوند، یا بالعکس در تضاد با عامل دیگر قرار گرفته و از رشد متوازن و صحیح آن پدیده جلوگیری کنند. یک مثال روشن می تواند پدیده ی شبیه سازی و سلول های بنیادی باشد. این پدیده هم بعد تکنولوژیک و هم بعد دینی دارد که بر هم تأثیر می گذارند، و لذا مشاهده می کنیم که در جامعه ی ایران این پدیده از لحاظ دینی موجه و قابل قبول دانسته می شود و همین به رشد سریع آن و جایگاه بالای ایران در این فناوری می انجامد، در عین این که جنبه های غیر قابل قبول و ناموجه و غیر اخلاقی آن را رد کرده و از رشد نامتناسب و جنبه های زیان بخش آن جلوگیری می کند، اما در جامعه ای همچون جامعه ی آمریکا تا همین اواخر مقاومت های دینی در برابر این پدیده وجود داشت که رشد آن را کند می کرد. مثال دیگر را می توان در نوع پوشش ایرانی جستجو کرد که به علت موانع دینی و تاثیر بر عرف لباس پوشیدن، صنعت پوشاک را در برخی زمینه ها محدود کرده است و برای مثال یک تولید کننده ی پوشاک در ایران، نسبت به یک تولید کننده ی پوشاک در یک کشور که دین و حکومت در طرز پوشش افراد دخالت کمتری می کنند، جای کمتری برای رقابت و تنوع در محصول دارد. مثال دیگر آن در استفاده از اینترنت و سرعت آن است، در حالیکه این پدیده ی تکنولوژیک نقشی موثر در گردش اطلاعات در سطح جهان و مسیر کشورها برای پیشرفت ایفا می کند، در ایران به خاطر منع های مذهبی توسط دستگاه حکومت، این مهم محدود شده است. یا نمونه ای دیگر را می توان در هنر و موسیقی جستجو کرد و آن اینکه هنرمند و موسیقی دان در جامعه ای مانند ایران نمی تواند انرژی خود را بر روی حیطه ی وسیعی از این دو متمرکز کند؛ برای مثال نقاشی های مذهبی جای نقاشی های دیگر را می گیرد و هنوز نقاشی و پیکرتراشی در ایران از حوزه های بزرگی محرومند و مثال بارز این حوزه ها نقاشی و پیکرتراشی از انسان ها و مخصوصاً زنان است. در حیطه ی موسیقی نیز هنوز موسیقی حلال و حرام مدنظر است و راه پیشرفت بسیاری از آلات موسیقی و نیز استفاده از آنها بسته است. در حوزه ی بانکداری هنوز گاه و بیگاه بحث از بانکداری اسلامی مطرح می شود و کشورهای عربی هم به همین سمت تمایل نشان داده اند. یا در حوزه ی گردشگری، ما حجاب را برای گردشگران اجباری می کنیم و همین امر موانع زیادی در برابر رشد صنعت گردشگری ایجاد می کند.

اما در راستای برآورده ساختن اهداف مذکور، و بر اساس مطالعات و بررسی ها و مباحث شکل گرفته حول این موضوع، تلاش های انجام شده به ایجاد دستگاهی متشکل از مدل های مختلف و مکملِ هم انجامیده که هریک توان پاسخگویی به بخشی از اهداف مورد نظر را داشته، و در عین حال، همگی در کنار هم قادرند تصویری جامع و از زوایای مختلف از پدیده ها و جوامع مورد بررسی ارائه نمایند و ما را در جهت حصول درکی همه جانبه نسبت به مسائل جامعه و نحوه ی ارتباط این مسائل با یکدیگر یاری دهند.

**مدل 1**

این مدل، که مدل اولیه است و از برخی جهات نیز می تواند مدل اصلی تلقی گردد، از جدولی نه خانه ای تشکیل شده که سطرها (یا محور افقی)ی آن مشخص کننده ی تکنولوژی و ستون ها (یا محور عمودی)ی آن نشان دهنده ی دین می باشد. روی محور افقی، بر اساس مدل ها و نظریات موجود در حوزه ی سنجش تکنولوژی، سه منطقه مشخص گردیده که نشان دهنده ی سیر پیشرفت تکنولوژی در جامعه می باشند. منطقه ی اول، که نشان دهنده ی سطح پایین تکنولوژی در جامعه است، با عنوان «استفاده ی صرف» مشخص گردیده، همین طور، منطقه ی دوم «توانایی ایجاد تغییر» و منطقه ی سوم نیز «تسلط بر دانش» نام گرفته است. در محور عمودی نیز، به همین منوال، سه منطقه با عناوین «اجرای صرف مناسک»، «توانایی به روز کردن دین» و «دین کارآمد» نامیده شده اند (شکل 1).

این مناطق را در هر محور، برای ارجاع راحت تر به آنها، می توانیم با شماره گذاری (1،2،3) مشخص کنیم. به این ترتیب، به عنوان مثال، خانه ای که با شماره های 1،3 مشخص می شود به لحاظ تکنولوژیک در منطقه ی 1 (استفاده ی صرف) و به لحاظ دینی در منطقه ی 3 (دین کارآمد) قرار دارد. همچنین می توان برای دقت بیشتر، هرکدام از مناطق را نیز مجدداً به سه منطقه تقسیم کرد که مراحل متوالی در درون آن منطقه را نشان می دهند. به این ترتیب جدولی متشکل از 81 خانه خواهیم داشت که در آن، به عنوان نمونه، خانه ی 4،3 نشان دهنده ی موقعیتی است که به لحاظ تکنولوژیک در ابتدای مرحله ی «توانایی ایجاد تغییرات» و به لحاظ دینی در انتهای مرحله ی «اجرای صرف مناسک» قرار دارد (شکل 2).

**تعیین ویژگی های مناطق**

اکنون، در راستای کاربردی کردن مدل، لازم است که ویژگی ها، یا به عبارت بهتر، جنس مناطق مختلف مدل را تعیین کنیم تا بر اساس آن بتوانیم جایگاه جوامع یا پدیدهای مختلف را بر روی مدل مشخص کرده و بر این اساس در جهت مقایسه ی آن ها و نهایتاً ارائه ی راهکار برای بهبود وضعیت آنها اقدام نماییم. برای حصول این منظور، از بررسی های موجود استفاده کرده ایم. بر اساس مطالعات انجام شده در حوزه ی سنجش دین و ابعاد مختلف آن توسط شجاعی زند، توسلی، مرشدی و سراج زاده، و با جمع بندی این آراء، چهار بعد اعتقادی، عاطفی، مناسکی، و پیامدی برای دین به دست آمد. همچنین با بررسی مطالعات انجام شده در حوزه ی تکنولوژی، چهار بعد انسان افزار، سازمان افزار، اطلاعات افزار، و فن افزار را برای تکنولوژی مشخص کرده ایم.

حال برای توصیف و شناخت پدیده ای که مثلاً در خانه ی 4،3 قرار گرفته، لازم است که ویژگی این پدیده را اولاً به لحاظ دینی و بر اساس ابعاد مختلف دین مشخص کنیم، و ثانیاً ویژگی آن را به لحاظ تکنولوژیک و بر اساس ابعاد تکنولوژی تعیین نماییم. در این مورد می توان گفت که پدیده ی مزبور به لحاظ مناسکی در سطح بالا، به لحاظ اعتقادی در سطح پایین و ... قرار دارد. روش پیشنهادی برای تعیین ویژگی مناطق مختلف مدل، استفاده از مباحث نظری از یک طرف و بهره گیری از آراء صاحب نظران مختلف در حوزه های مورد بررسی می باشد.

**مدل های تکمیلی**

برای بررسی همه جانبه ی رابطه ی دین و تکنولوژی در عرصه ی اجتماع به طور کلی، و نیز در قالب پدیده های خاص، لازم است که از زوایای مختلفی به پدیده ها توجه نماییم. برای کاربردی کردن این نوع نگاه، استفاده از مدل های مختلفی که ابعاد مختلف پدیده ها را بسنجند، می تواند راهگشا باشد. در همین راستا، کوشش ما بر آن بوده که مدل هایی مختلف تدوین نماییم که در کنار هم تصویری جامع و مفید از وضعیت اجتماعی ارائه کرده و برای فهم، مقایسه، آسیب شناسی و نهایتاً ارائه ی راهکارها و پیشنهادات مؤثر در جهت پیشرفتی همه جانبه به ما یاری رسانند. در این زمینه، یکی از چشم اندازهای مفید، از تجزیه ی عامل دین به مؤلفه ها یا ابعاد اصلی آن و بررسی نسبت میان این ابعاد با جنبه ی تکنولوژیک پدیده ها یا جوامع حاصل می گردد. اما بعدی از دین که کاملاً ملموس و قابل مشاهده و بررسی عینی بوده و به نوعی می تواند نتیجه یا ثمره ی عینی و بیرونی ابعاد دیگر دین و حتی تبلور اهداف اصلی دین دانسته شود، بعد پیامدی دین می باشد. بر این اساس، کوشش ما در این مرحله بررسی نسبت میان بعد پیامدی دین با مسأله ی تکنولوژی و نحوه ی تعامل آنها با یکدیگر است.

در این راستا، خود بعد پیامدی دین را باید به مؤلفه ها یا جنبه های مختلف آن تقسیم کنیم تا بتوانیم دیدی دقیق تر نسبت به این رابطه حاصل نماییم. پیامدهای دین را می توان به سه مؤلفه تقسیم نمود: پیامدهای آن برای خود، پیامدهای آن برای دیگران، و پیامدهای جهانی (طبیعی، زیست محیطی و ...) دین. به عنوان مثال پدیده ای همچون اتومبیل را در نظر بگیرید. پیامدهای آن برای خود را می توان نسبتاً مثبت دانست (سرعت بخشیدن به جابجایی و انجام اعمال روزانه، راحتی و ...، البته با وجود پیامدهای منفی آن همچون آلودگی که علاوه بر دیگران، دامن خود فرد را هم می گیرد)، در مقابل، پیامدهای آن برای دیگران نسبتاً منفی است (سنگینی ترافیک، ایجاد آلودگی های صوتی و محیطی و بیماری های حاصل از آن، و ...). نهایتاً، پیامدهای جهانی این پدیده را می توان کاملاً منفی دانست (آلوده کردن محیط زیست، تخریب لابه ی ازن، گرمایش محیط و ...). بنابراین مدلی که در این مرحله نیاز داریم باید بتواند رابطه ی میان این سه مؤلفه را با جنبه ی تکنولوژیک پدیده ها یا جوامع نشان دهد. در اینجا سه مدل متفاوت ارائه گردیده که هریک مزایا و ضعف های احتمالی خود را دارا می باشند، اما می توانند در کنار هم، و در کنار مدل اول، دیدی فراگیر و روشنگر درباره ی جایگاه و ماهیت پدیده ها و جوامع مختلف، به لحاظ شکل ارتباط شان با عوامل اصلی مورد بررسی ما – یعنی دین و تکنولوژی – در اختیار ما قرار دهند.

**مدل 2**

در این مدل، محور افقی نشان دهنده ی درجه ی تکنولوژیک پدیده ی مورد بررسی است که مشابه مدل اول، به سه منطقه ی «استفاده ی صرف»، «توانایی ایجاد تغییر»، و «تسلط بر دانش» تقسیم شده است. محور عمودی نیز نشان دهنده ی بعد پیامدی دین، به طور کلی، می باشد (شکل 3).

اما در جهت تعیین جایگاه پدیده بر روی محور عمودی، لازم است که آن پدیده را به طور جداگانه و بر مبنای پیامدهای آن برای خود، دیگران و جهان، به طور جداگانه مورد بررسی قرار دهیم. در جهت دقیق تر کردن کار، می توان هریک از این ابعاد را به اجزاء ریزتری تقسیم نمود تا بهتر بتوان به ماهیت پدیده ها پی برد. به عنوان مثال، پیامدهای مربوط به خود را برای فرد می توان به پیامدهای روانی، جسمی، و ... تقسیم کرد، پیامدهای مربوط به دیگران را شامل پیامدهای خانوادگی، شهری، قومی، منطقه ای و امثالهم دانست، و پیامدهای جهانی را نیز متشکل از پیامدهایی چون گرمایشی، آلودگی و غیره در نظر گرفت.

گام بعدی، در جهت کاربردی کردن مدل، تعریف مقیاسی است که بر اساس آن قادر باشیم این ابعاد را مقدار دهی نماییم. این مقیاس می تواند یک مقیاس 5 قسمتی باشد که مقادیر 1 تا 5 را به ترتیب به گزینه های «بسیار زیان بخش»، «زیان بخش»، «بینابین»، «مفید»، و «بسیار مفید» نسبت داده و بر اساس آن پدیده ی مورد بررسی امتیازدهی گردد (شکل 4).

اکنون برای روشن تر شدن بحث، می توانیم پدیده ای فرضی به نام پدیده ی X را در نظر گرفته و مدل فوق را بر روی آن اعمال نماییم. یعنی لازم است با روش هاف آن ی مشخصی (که فعلاً در مورد آنها صحبت نمی کنیم) پیامدهای گوناگون این پدیده را در قبال خود، دیگران و جهان تعیین نماییم (شکل 5).

تا همین جا، پیامدهای مختلف پدیده ی مورد بررسی تا حدود زیادی روشن شده است. اما باید پیشتر رفته و از مجموع این پیامدها، امتیازی نهایی برای پدیده ی مورد بررسی به لحاظ پیامدی به دست آوریم تا بر اساس آن جایگاه پدیده را بر روی مدل تعیین نماییم. این کار می تواند به سادگیِ محاسبه ی میانگین ابعاد پیامدی مختلف آن پدیده باشد. یعنی مثلاً برای پدیده ی X میانگین پیامدها برای خود معادل 5/2، پیامدها برای دیگران 5/4 و پیامدهای جهانی 5/1 و میانگین کلی این سه مقدار حدوداً برابر 8/2 خواهد شد. یعنی پدیده ی X روی مدل به لحاظ جایگاهش بر روی محور عمودی در نقطه ی 8/2 قرار خواهد گرفت. اما به نظر می رسد که این راه حل ساده چندان بی اشکال نباشد.

مشکل اصلی این نوع میانگین گیری، یکسان سازی ارزش ابعاد مختلف مسأله است. شکی نیست که در مورد پدیده های مختلف، ابعاد پیامدی متفاوت آنها می توانند دارای ارزش متفاوتی باشند. مثلاً ممکن است پیامدهای پدیده ی X برای خود فرد در یک بستر اجتماعی خاص بسیار مهم تر از پیامدهای جهانی آن باشد. در این صورت، ما با میانگین گیری ساده ی ابعاد پیامدی مختلف، این اهمیت را نادیده گرفته ایم و نتیجه ی حاصله نیز بیانگر جایگاه واقعی پدیده در جامعه نخواهد بود. راه حلی برای مشکل میانگین گیری وجود دارد که با استفاده از آن اهمیت نسبی موارد مختلف نیز حفظ می شود. در این راه حل، با وزن دهی به ابعاد پیامدی مختلف، با توجه به اهمیت خاص آنها در بستر اجتماعیِ مورد بررسی، سهم هریک را به طور واقع گرایانه تری در جایگاه کلی پدیده اعمال می نماییم.

مشکل دیگر این نوع میانگین گیری آن است که دو پدیده ممکن است به لحاظ ابعاد مختلف شان متفاوت باشند، اما پس از محاسبه ی میانگین، مقداری یکسان یا نزدیک به هم بگیرند و نتیجتاً بر روی مدل در جایگاه واحدی قرار بگیرند. به نظر می رسد که این مشکل دوم، نقدی جدی بر این مدل وارد می کند و ما را بر آن می دارد که، در عین آن که این مدل را برای موارد استفاده ی خاص آن نگاه می داریم، به دنبال مدل های دیگری نیز باشیم که امکان نگاهی دقیق تر به پدیده ی مورد بررسی را فراهم نمایند. از اینجا به مدل پیشنهادی دیگری می رسیم که این مشکل را به نوعی، و نه به تمامی، حل می کند.

**مدل 3**

مشکل اصلی ما در مدل پیشین این بود که نمی توانستیم ابعاد مختلف پیامدی یک پدیده را در قالب یک مقدار واحد امتیازدهی کرده و سپس آن را در نسبت با بعد تکنولوژیک پدیده روی مدل قرار دهیم. حال می توان این مشکل را با تقسیم کردن خودِ مدل به چندین مدل فرعی حل کرد. یعنی می توانیم مدل هایی تعریف کنیم که در هریک از آنها یکی از ابعاد پیامدی دین روی محور عمودی و بعد تکنولوژیک روی محور افقی قرار گیرد (شکل 6).

مزیت این نوع مدل سازی، به دست دادن بصیرتی عمیق نسبت به رابطه ی میان ابعاد مختلف پیامدی یک پدیده با بعد تکنولوژیک آن است که در جای خود می تواند کمک شایانی به فهم بهتر پدیده ها و آسیب شناسی آنها و ارائه ی راهکارهای مناسب در جهت رسیدن به وضعیت مطلوب ارائه نماید. البته، همان گونه که پیشتر نیز گفته شد، این مدل سوم نیز اهداف اولیه ی ما را به تمامی برآورده نمی کند، چرا که در نهایت تصویری پراکنده و متکثر از پدیده ی مورد بررسی ارائه می دهد و از ارائه ی تصویری واحد و جامع از نسبت میان ابعاد پیامدی مختلف پدیده با بعد تکنولوژیک آن باز می ماند. البته این مسأله به خودی خود مشکل ساز نیست، چرا که در بسیاری از موارد همین تصاویر متعدد بهتر می توانند در فهم ابعاد یک پدیده به ما کمک کنند. مشکل زمانی ایجاد می شود که بخواهیم از دیدی فراگیر و در مقیاسی کلان به پدیده ها نگاه کرده و آنها را با هم مقایسه نماییم یا برنامه ها و سیاست گذاری های کلانی ارائه دهیم. در این صورت نیاز به مدلی داریم که در یک نگاه این خواسته ی ما را برآورده سازد. شاید مدل چهارم را بتوان چنین مدلی تلقی کرد.

**مدل 4**

در این مدل، که به لحاظ شکلی با مدل های پیشین تفاوت دارد، از دو محور مختصات عمود بر هم - و یا دقیق تر، از چهار محور مختصات که هرکدام در زاویه ی 90 درجه از محور پیشین و با مبدائی واحد قرار گرفته اند - بهره می گیریم که سه محور اول نشان دهنده ی سه بعد پیامدی پدیده (خود، دیگران، جهان) و محور چهارم مشخص کننده ی بعد تکنولوژیک آن می باشند. اکنون کافی است که ابعاد مختلف پدیده را با روش های مشخص، و با امتیازدهی ای از نوع مقیاس معرفی شده در شکل 4، سنجیده و جایگاه پدیده را بر روی محورهای مختلف (خود، دیگران، جهان) به طور جداگانه مشخص نماییم. جایگاه پدیده بر روی محور تکنولوژیک نیز با روش های خاص و بر اساس اینکه در کدام مرحله (استفاده ی صرف، توانایی تغییر، تسلط بر دانش) قرار دارد، مشخص می گردد. از متصل کردن نقاط حاصله روی چهار محور، چهارضلعی ای شکل می گیرد که نشان دهنده ی وضعیت کلی آن پدیده و نسبت میان ابعاد پیامدی و بعد تکنولوژیک آن می باشد (شکل 7).

در حقیقت شکل حاصله کلید فهم ماهیت و ویژگی های خاص پدیده ی مورد مطالعه می باشد. اگر شکل متناسب باشد، یعنی اضلاع آن تقریباً هم اندازه باشند، می توان ادعا کرد که تناسبی میان ابعاد پیامدی مختلف آن پدیده و بعد تکنولوژیک آن وجود دارد، اما متناسب نبودن آن، پیشی گرفتن برخی ابعاد از برخی دیگر را نشان می دهد. همچنین، هرچه که مساحت شکل بیشتر باشد، حاکی از پیشرفته تر بودن و مناسب­تر بودن آن پدیده است، البته به شرطی که عامل مساحت بیشتر را در کنار عامل متناسب بودن دارا باشد.

برای روشن تر شدن نحوه ی استفاده ی مدل می توانیم مثال مشخصی را در نظر بگیریم. نمونه ای که در شکل 7 و به عنوان جایگاه یک مورد فرضی نشان داده شده را می توان تقریبی از جایگاه جامعه ای همچون جامعه ی آمریکا بر روی مدل دانست که به لحاظ پیشرفت تکنولوژیک در سطح بالایی است، به لحاظ پیامدهای مربوط به خود نیز جایگاه مطلوبی دارد، اما نسبت به پیامدهای معطوف به دیگران و پیامدهای معطوف به جهان در وضعیت نامطلوبی قرار دارد که نشان از سهم بسیار بالای آمریکا در ایجاد آلودگی های محیطی، سیاست های مضر نسبت به سایر جوامع و ... دارد. در مقابل، می توان جامعه ای همچون جامعه ی هند را در نظر گرفت که در آن جنبه های پیشرفت تکنولوژیک و پیامدهای مربوط به خود ضعیف اند اما توجه به پیامدهای معطوف به دیگران و جهان میزان بالایی دارد. شکل تقریبی موقعیت چنین جامعه ای را می توان در شکل 8 ملاحظه کرد.

این مدل، همچنین، امکان مقایسه­ی پدیده ها یا جوامع مختلف را فراهم می کند. می توان دو یا چند پدیده را روی مدل قرار داده و نحوه ی تشابه یا تمایز آنها از یکدیگر را مشخص نمود. علاوه بر آن، می توانیم وضع موجود یک پدیده یا جامعه و نیز وضع مطلوب آن را روی مدل مشخص نموده و مسیر و نحوه ی رسیدن به وضع مطلوب را، با توجه به آن، در قالب راهکارهای خرد و کلان و راهبردی کلی ارائه نماییم. این کاربرد را می توانیم در شکل 9 مشاهده کنیم، چنان که خطوط آبی رنگ و ممتد نشان دهنده ی وضع موجود و خطوط قرمز که به شکل نقطه چین نشان داده شده اند نمایان گر وضع مطلوب می باشند. البته این کاربرد، کم و بیش، در مورد مدل های پیشین نیز صادق است.

بحث و نتيجه گيري

کاربردهای این مدل را می توان به دو سطح مختلف تقسیم کرد؛ اول در سطح پدیده ها، و دوم در سطح جوامع. هر کدام از این سطوح، در راستای عملی شدن، نیاز به بررسی های جداگانه ای دارند. اما سطحی که در این مرحله برای ما مهم تر بوده و به اهداف نهایی ما نزدیک تر است، دومین سطح یعنی بررسی جایگاه جوامع بر روی مدل و سعی در تغییر و بهبود این جایگاه می باشد. در این مرحله ما می توانیم با استفاده از روش های ذکر شده در بخش روش شناسی، جایگاه جامعه ی موجود و جامعه ی مطلوب را روی مدل مشخص کرده و راهکارهایی در سطوح خرد و کلان در جهت نزدیک کردن جامعه ی موجود به جامعه ی مطلوب ارائه نماییم.

نکته ی مهم در این بحث، حفظ وضعیت متعادل (به لحاظ عوامل دینی و تکنولوژیک) در جامعه می باشد. یعنی اولویت اصلی قرار گرفتن در وضعیت متعادل یعنی بر روی خط تعادل (قطر مربع) می باشد (شکل 10).

بر این اساس، لازم است که راهکارهای ارائه شده در وهله ی اول به منظور هدایت جامعه به سوی وضع متعادل باشند تا از آن پس جامعه مسیر پیشرفت را به سمت وضعیت مطلوب طی نماید.

کاربرد دیگر مدل، قرار دادن جوامع مختلف روی مدل و مقایسه ی آنها به لحاظ جایگاه دینی و تکنولوژیک است، که در مطالعات بین المللی و تطبیقی می تواند راهگشا باشد.